



معبری در میدان مین شیطان

اول:

بررسی هر کدام از آموزه‌های اخلاقی گواه این نکته است، که همه تعالیم اخلاقی بشریت مرهون حضور و بعثت انبیاء الهی است.

اگر روزگار بشر بدون بعثت انبیاء الهی رقم می‌خورد، با هیچ یک از شاخصه‌های توسعه‌گرایانه و افزون‌خواهانه سلاطین و شاهان و امپراطورها، و زرق و برق هنرهای زرین و طلایی کاخ و قصر و حرم و تیغ مرصع آن‌ها، بشریت به سر منزل هدایت راه نمی‌یافت.

تقدیر خداوند بر هدایت بشر براساس تعالیم پیامبران است. فرا روی بشر برای رسیدن به جامعه سالم راهی جز این نیست که شاخصه و نماد اخلاقی از جمله عفت عمومی را از منظر حیات طیبه قرآنی، که عصاره سخن انبیاء خداست، بیابد و در زندگی خود جاری سازد.

دوم:

در میان همه ترفندهای دشمن و عناصر فریب خصم، هیچ عنصری به اندازه خروج انسان از مسیر اخلاق اسلامی و به ویژه عفت عمومی از سطح فردی گرفته تا زندگی عمومی اجتماعی، برای شیاطین و فرزندان و سربازان آن، برای یارگیری و تیم‌سازی و بهره‌کشی و بردگی، به کار نمی‌آید.

شاید بتوان نخستین مرحله سقوط انسان و اجتماع در مهلکه‌ها و پرتگاه‌های

شیطان، را به واسطه ریخته شدن قبح رذایل اخلاقی و شاخصه‌های عفت، از نگرش و گویش تا رفتار، به شمار آورد. نکته‌ای که در انشعابات جامعه بی‌خدا و زیست سکولار، و زندگی جدید و مدرن، با شعارهایی فریبنده و جذاب، تبلیغ و ترویج می‌شود؛ با شعارهایی همچون «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، «دلت پاک باشد...»، «کسی را در قبر کسی نمی‌گذارند» و «باب بخشش باز است، حال را دریاب...»

با چنین دیدگاه‌هایی که سرشار از تبشیر و امیددهی غیر معقول نسبت به سرانجام هر نوع رفتاری است، هیچ خبری از انذار و هشدار الهی بر حساب کشیدن از ذره و مثقال اعمال نیست. شخصیت دینی و اعتقادی چنین افرادی در اجتماع به گونه‌ای رقم می‌خورد که در اجتماع کنونی هر روز شاهد آن هستیم.

انسان‌هایی که در هر محفل جشن و شادی، هر خطا و معصیتی را جایز می‌شمرند و در عزا و حزن، به قصد شستشوی گناهان، پای منبر و روضه می‌نشینند. این رفتار متناقض هیچ جایگاهی در زیست و حیات طیبه قرآنی یک مسلمان حقیقی ندارد و نوعی فریب و تدلیس و زینت شیطانی است، برای توجیه اعمال خطا و فرافکنی شخصیتی و نوعی فرار از عذاب وجدان.

دوگانگی عمل و در سایه آن یافتن دو شخصیت متفاوت، در وجود انسان‌های این‌چنینی، راه را برای ورود شیطان و افکار او باز می‌کند. به نحوی که پس از مدت زمان کوتاهی معتقدترین انسان‌ها به افرادی بی‌هویت، بی‌هدف و حتی مهره اجرای منویات شیطان، تبدیل می‌گردند.

سلاح و راهبرد نلغزیدن در چنین مهلکه‌ای تنها و تنها، گذر از معبر مطمئن اصیل اسلامی، یعنی رعایت تقوا و پارسایی در قالب تبشیر و انذار پیامبران الهی است و بس. سلاحی که با تجهیز به آن، همه نمادها و عناصر اخلاقی در اجتماع، پیشگیری و مقابله و درمان را به صورت همزمان، در دستور کار همه اجزاء زنده یک زندگی گروهی فراگیر، قرار می‌دهد.

سوم:

شاید با شنیدن کلمه عفت و اخلاق، همه نگاه‌ها به سمت زنان و دختران



دوخته شود و ذهن‌ها پرسش‌گر اینکه چرا زنان بی‌عفت شده‌اند؟ حال آن‌که در همه تعالیم اخلاقی رعایت اخلاق فردی و اجتماعی به صورت متعادل و موازی، از هر دو جنس زن و مرد، مطالبه شده است. بسیاری از بی‌عفتی‌ها می‌تواند، ریشه در بوالهوسی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌عفتی‌های مردان داشته باشد و البته زنان. هیچ انسان غیر معصومی نمی‌تواند با این ادعا که در شغل یا صنف و خانواده خاص و ویژه‌ای قرار گرفته است، خود را مصون از بی‌عفتی‌ها بداند. مراقبت از همدیگر در همه زوایای اخلاقی، روانی و روحی وظیفه هر یک از افراد جامعه از خانواده تا سطوح بالاست و در این مراقبت‌ها زنان باید مراقب مردان باشند و مردان مراقب زنان. از همین سلسله و سطح پایین گرفته تا بالاترین درجات و جایگاه‌ها این مراقبت نامحسوس باید انجام گرفته و در هر لحظه از زندگی یادآوری شود.

چهارم:

در کنار همه مقدمات حفظ عفت عمومی و اخلاق در جامعه و خروج از مسیر آن، نقش و کارکرد مراکز حکومتی و دولتی و اجرایی، نقشی اساسی است. مهد کودک‌ها در طی دو دهه اخیر فرایند آموزشی خاصی را می‌پیمایند که محصول و خروجی آن را امروز در دانشگاه‌ها می‌توان یافت؛ هر چند کاهلی و سستی مجریان امروز، توجیهی برای این روند نیست. گذشتگان به خوبی می‌دانند که کودکان در سنین فراگیری زبان، نخستین واژگانی را که می‌آموختند فرازهای نورانی قرآن بود و البته در میان شیعیان خطبه‌های نورانی حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه، که جامع همه احکام و تعالیم اسلام است، و نهج البلاغه رونق دیگری داشت. بررسی اجمالی از آموزش‌های مهد کودک‌ها در این چند سال اخیر، نشان می‌دهد که برخی برنامه‌های این مراکز را ورزش‌های شاد و سرشار از موسیقی‌های تند، بالباس‌هایی کاملاً خاص و همچنین ترانه‌ها و آشنایی با یوگا و شخصیت‌های هنری روز دنیا به ویژه در هنر موسیقی و فیلم‌ها شامل می‌شود و در آن‌ها عطر و نورانیت تعالیم و اخلاق اسلامی یافت نمی‌شود. خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

این نکته می‌تواند گواه جریان مرموز خطرناک فرهنگی باشد که طی دو دهه گذشته تاکنون، میدانی مملو از مین‌ها و موانع انفجاری فرهنگی اعتقادی را، در سرتاسر جامعه، کاشته است. میدان کشنده‌ای که هر کدام از آسیب دیدگان آن، به آسانی بهبود نمی‌یابند و لطمات آن به راحتی قابل ترمیم و جبران نیست. تنها معبر گذر از این میدان خطرناک، که در همه عرصه‌های هنری و فرهنگی و سیاسی توسط سربازان بی‌مزد و منت دشمن کاشته شده، عفت عمومی تعریف شده در اسلام ناب محمدی (ص) و براساس تفکر عالمان دین باور است. معبری که در مرحله نخست باید بامدیریت مجریان درد آگاه و دست‌اندرکاران دلسوز دولتی و حکومتی، در دل این میدان خطرناک باز گردد؛ از مهد کودک‌ها گرفته تا دانشگاه‌ها؛ از خانه تا جامعه؛ از هواپیماها تا قطارها؛ از کارخانه‌ها تا بیمارستان‌ها؛ از اداره‌ها تا بانک‌ها، از فروشگاه‌ها تا شرکت‌ها و در همه جای جغرافیا و گستره تمدن اسلامی. بدون شک نخستین تخریب‌چینی که برای خنثی‌سازی و گشودن این معبر به کار گمارده می‌شوند، باید مهبای شهادت و جانبازی برای تحقق همه اهداف انبیاء الهی باشند. باشد که چنین باشد.

سردبیر

